

درس شانزدهم

تاریخ ادبیات

کتاب «مرد هزار ساله» نوشته‌ی «رضا حجت» است.
نام پدر و مادر ابوعلی سینا به ترتیب «عبدالله» و «ستاره» است.
شعر «چشمه و سنگ» سروده‌ی محمدتقی بهار (ملک الشعرا) است.

معنی و مفهوم درس

وقتی بوعلی، کودک بود

تازه از بستر بیماری برخاسته بود.

تازه حالش خوب شده بود.

ستاره به سیمای همسرش عبدالله، خیره شد.

ستاره به چهره‌ی همسرش عبدالله نگاه کرد و دقیق شد. (زل زد).

من او را با خون دل پرورش داده‌ام.

من او را با رنج و سختی زیاد، بزرگ کرده‌ام.

حسین دست‌بردار نبود.

حسین به کارش ادامه می‌داد.

ستاره با هیجان، چشم به دهان او دوخته بود.

ستاره با هیجان و آشفتگی با دقت به حرف‌های او توجه می‌کرد.

از کوشش و پشتکار او به ستوه آمده‌ام.

از تلاش و پی‌گیری او خسته شده‌ام.

چشمه و سنگ

به ره گشت، ناگه به سنگی دچار

جدا شد یکی چشمه از کوهسار

چشمه‌ای از کوهستان جدا شد، در راه ناگهان به سنگی برخورد.

«کرم کرده، راهی ده ای نیک‌بخت!»

به نرمی چنین گفت با سنگ سخت:

با آرامی و نرمی به سنگ محکم و سخت گفت: «ای نیک‌بخت، لطف کن و راهی برای عبور من بده»

زدش سیلی و گفت: «دور ای پسر

گران سنگ تیره‌دل سخت سر

سنگ بزرگ بد دل، محکم یک سیلی به چشمه زد و گفت: از من دور باش ای پسر،

که‌ای تو، که پیش تو جنم، ز جای؟»

«نجنیدم از سیل زور آزمای

من با آمدن سیل پر زور و خروشان از جایم تکان نخوردم حالا تو چه کسی هستی که در مقابل تو از جایم تکان بخورم؟

به کندن دراستاد و ابرام کرد

نشد چشمه از پاسخ سنگ، سرد

چشمه از پاسخ سنگ، دل‌سرد و ناامید نشد و به کندن مشغول شد و پافشاری کرد.

کز آن سنگ خارا، رهی برگشود...

بسی کند و کاوید و کوشش نمود

بسیار زمین را کند و آن قدر تلاش کرد که از میان آن سنگ سخت، راهی باز کرد.

که از یأس، جز مرگ، ناید به بار

برو کارگر باش و امیدوار

پس برو برای هدفت کار کن و همیشه امیدوار باش که از ناامیدی چیزی به جز نابودی و مرگ به دست نمی‌آید.

شود سهل، پیش تو دشوارها

گرت پایداری است در کارها

اگر در کارهایت پایداری و پافشاری باشد، تمام کارهای دشوار در مقابل تو آسان می‌شود.